



محمودرضا تخشید به سیما بر گشت

محمودرضا تخشید با حکم معاون رئیس رسانه ملی در امور سیما، به سمت مدیر کل امور نمایش سیمای جمهوری اسلامی ایران منصوب و مدیریت سیمافیلم و امور نمایش الف ویژه سیما از معصومزادگان و فنلایان گرفته شد. به گزارش مهر، در این حکم علی‌صغر پورمحمدی خطاب به محمودرضا تخشید آورده است: نظر به تعهد، تدین و تجربیات ارزشمند جنابعالی در رسانه ملی، بویژه در تولید آثار مفید، جذاب و اثر گذار نمایشی، به موجب این حکم به سمت «مدیرکل امور نمایش سیمای جمهوری اسلامی ایران» منصوب می‌شوید. ساماندهی بیکارچه برنامه‌های نمایشی به لحاظ روند تولید، موضوع، محتوا و ساختار، با هدف ارتقای سطح کیفی تولیدات و براساس اهداف و سیاست‌های رسانه ملی و مأموریت‌های شبکه‌ها از مهم‌ترین ضرورت‌های تشکیل اداره کل نمایش سیما است. با توجه به این ضرورت، اهم مأموریت‌های جنابعالی بدین شرح اعلام می‌شود:

۱- دریافت ایده‌ها، طرح‌ها و متون نمایشی از شبکه‌ها برای بررسی و تصویب
۲- بازویسی روند تولید آثار نمایشی از ایده تا پخش
۳- تعیین مدیران گروه‌های فیلم و سریال با هماهنگی مدیران محترم شبکه‌ها
۴- تشکیل شورا‌های طرح و برنامه برای بررسی و تصویب متون نمایشی
۵- تشکیل شورای آراء، بودجه و ارزیابی فنی و تولید، برای آثار نمایشی
۶- نظارت مستمر بر تولید آثار نمایشی از مرحله تصویب تا پایان تولید با هدف انطباق آثار تولیدی با اهداف و سیاست‌های رسانه ملی
انتظار دارد با توکل به خداوند بزرگ، بهره‌گیری از رهنمودهای مقام معظم رهبری و استفاده از دانش و تجربیات اهل فن و هنر و هم‌راه مدیران محترم شبکه‌ها در تولید آثار نمایشی فاخر که دربرگیرند مؤلفه‌های دین، اخلاق، آگاهی و امید و همچنین نشاطبخش باشد، اهتمام ساینست‌های داشته باشید. پورمحمدی همچنین در این حکم از زحمات و خدمات ارزشمند محمدرضا معصوم‌زادگان در طول تصدی مدیریت سیمافیلم و تاجبخش فنلایان برای مدیریت امور نمایش الف ویژه سیما قدردانی کرده و توقیق ایشان را برای اعتلای فرهنگ غنی اسلام و ایران از خداوند بزرگ مسألت داشته است.

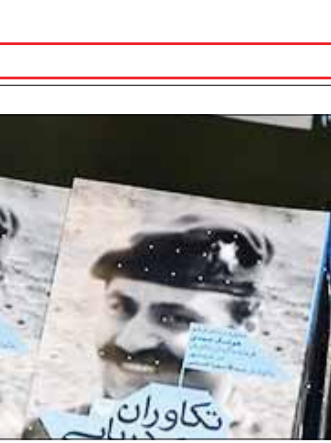
از «پژمان» چه خبر؟

نگارش سریال «پژمان ۲» توسط محراب قاسم‌خانی و با نظارت پیمان قاسم‌خانی در ابتدای راه است. محسن چگینی در گفت‌وگو با ایسنا درباره روند نگارش سریال «پژمان ۲» توسط محراب و پیمان قاسم‌خانی گفت:نگارش سریال «پژمان ۲» توسط محراب و پیمان قاسم‌خانی هنوز در ابتدای راه است و قصد کمی باید جلوتر برود تا زمان تولید آن مشخص شود. تهیه‌کننده سریال در حال ساخت «شععدونی» درباره قسه «پژمان ۲» افزود: «پژمان ۲» همان ادامه قسمت اول این سریال خواهد بود و حدود ۱۰ درصد از بازیگران «پژمان ۲» همان بازیگران «پژمان ۱» هستند و نقش اصلی قسه را نیز پژمان جمشیدی ایفا می‌کند.

نامزدهای نهایی کتاب سال دفاع مقدس معرفی شدند

هیأت داوران شانزدهمین دوره جایزه کتاب سال دفاع مقدس پس از تشکیل جلسات مربوط به (گروه ادبیات نمایشی) و پس از بررسی کارشناسی، آثار رایه‌افزته نمایشنامه و فیلمنامه‌های برتر از این گروه به دور نهایی را مشخص و اعلام کرد. به گزارش تسنیم، هیأت داوران شانزدهمین دوره جایزه کتاب سال دفاع مقدس پس از تشکیل جلسات مربوط به (گروه ادبیات نمایشی) و پس از بررسی کارشناسی، آثار رایه‌افزته نمایشنامه و فیلمنامه‌های برتر از این گروه به دور نهایی را مشخص و اعلام کرد. **براین اساس در بخش نمایشنامه:** ۱- پالتوی خیس از سید صادق فاضلی/ انتشارات افراز، ۲- خنکای ختم خاطره از حمیدرضا آذرنگ/ انتشارات امیرکبیر، ۳- شب و یاس از ابوالقاسم غلام‌حیدر/ انتشارات سوره مهر، ۴- ششی با خورشید (مجموعه دو نمایشنامه) از حسین صفی و نیما بیگران از انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری استان همدان، ۵- کوارتز پر و سه نمایشنامه دیگر از سیدصادق فاضلی/ انتشارات افراز و دیگران از لیلا جلیلی/ انتشارات امیرکبیر جزو آثار برتر این گروه بوده است.

در بخش فیلمنامه: نیز ۱- بیداری رویاها از محمدرضا گوهری/ انتشارات سوره مهر، ۲- حرمت از مهدی بوستانی شهر بابکی/ انتشارات امیرکبیر، ۳- خزل و خورشید از محمدرضا رحمانی و علیرضا محمودی ایرانمهر/ انتشارات امیرکبیر، ۴- در میان برها- از محمدرضا گوهری/ انتشارات امیرکبیر، ۵- رویاهای می‌آیند از محمدرضا رحمانی و علیرضا محمودی ایرانمهر/ انتشارات امیرکبیر، ۶- عطر حضور و طوبیای محبت از مریم بصیری/ انتشارات امیرکبیر و فیلمنامه وقتی کوه کم شد از بهزاد بهزادپور که در انتشارات صاعقه چاپ و به رشته تحریر در آمده است به دور نهایی راه یافته‌اند.



حسام آبنوس: نقش ارتش در دفاع مقدس نقشی انکارناپذیر است اما با این حال باز هم شنیده می‌شود که حضور ارتش در عملیات‌ها کم‌رنگ و بی رمق بوده که البته این خدع‌های است تا میان نیروهای مسلح تفرقه ایجاد کنند، اما نیروهای ارتش جمهوری اسلامی هرگز به این سخنان وقعی ننهاده و با صلابت از کیان مرزهای جمهوری اسلامی ایران دفاع کرده‌اند. یکی از راه‌هایی که از طریق آن می‌توان به نقش آفرینی یگان‌های عملیاتی ارتش پی برد خاطرات فرماندهان و افسران این یگان نظامی است. خاطراتی که در مقابله با رژیم بعثی دارند که برخی به خاطر عدم توجه یا کپولت سن در حال فراموش شدن است. از همین‌رو است که رهبر فرزانه انقلاب نسبت به ثبت، ضبط و انتشار آنها بارها توصیه کرده و همه را به این امر تشویق کرده‌اند. ایشان در دبدری به این نکته تأکید کرده‌اند که: «هیچ نیابستی مبالغه به کار برد، نباید هم کم گذاشت؛ باید همه جزئیات مهم و تأثیرگذار را بیان کرد که هم‌عاش هم موثر است. همچنین به این آقایان محترم حوزه هنری و بقیه دستگاه‌های نشر هم توصیه می‌کنم: این نوشتجات را قدر بدانید. این پدیده‌ها و این فرآورده‌های تاریخ انقلاب، را تاریخ دفاع مقدس را قدر بدانید؛ اینها را باید خیلی قدر دانست. بین مردم هم منتشر بشود. این جوان‌های ما، نه جنگ را دیده‌اند، نه روایت درست و حساسی از جنگ شنیده‌اند؛ روایت درست، اینها است؛

منهای‌الهی‌بود
کاوه قادری: «نارنگی‌ها» که پنجمین و تازه‌ترین اثر از او رشادزه و محصول کشور استونی است را می‌توان بیانیه‌ای موجز، سلیس، بی‌تکلف و البته سوزناک و صریح علیه جنگ دانست؛ تلفیقی کم‌رنگ و نه چندان محسوس اما متوازن از کمدی، خشونت و شاعرانگی که به رغم تأثیرپذیری بسیار اندکش از کمدی کلامی تند و تیز «مش» آلتمن، خشونت افسران‌گسیخته «نجات سرباز رایان» اسپیلبرگ و لحن شاعرانه «خط باریک قرمز» مالیک، می‌کوشد با عرضه درونمایه آشنا و حدیث نفس تکراری‌اش از طریق چالش و دستمایه‌ای نسبتا نو و همچنین پرهیز از برخی کلیشه‌نگری‌های مرسوم، بویژه در شکل‌دهی فراز و فرودها و مسیر تطور دو پرسوناژش (احمد و نیکا) شاکله و ماهیتی کم و بیش مستقل از خود ارائه کند. آن چالش و دستمایه نسبتا نو را می‌توان در گردآمدن دو دشمن زین یک سقف نهفته دانست؛ آن هنگامی که بر اثر نزاعی منطقه‌ای در آنجا میان سه سرباز گرجی و دو سرباز چچنی، حوالی خانه پیرمردی «ایوو» نام و باغ نارنگی مردی «مارکوس» نام، از هر گروه یک سرباز زنده می‌ماند و ایوو، دو سرباز مجروح تشنه به خون یکدیگر (احمد و نیکا) را به خشمش می‌آورد و تا زمان بازیابی کامل سلامت جسمانی‌شان، قصد نگهداری هم‌زمان از این دو را بدون اینکه میانشان جنگ و خونریزی رخ دهد دارد؛ و تنش‌های مرکزک به دقیقا به همان اندازه‌ای جدی و تیزتر است، ته‌مایه کمدی نیز دارد و به شرط مقداری ظرافت به خرج دادن، ظرفیت خلق نوعی کمدی پنهان، بویژه از نوع کلاسی را در بطن نامی روایوی‌های میان احمد و نیکا و موقعیت‌های پیش آمده برای این دو داراست و دقیقا همین نیز رخ داده است (مراجعه شود به دیالوگ‌های رد و بدل شده میان احمد و نیکا و ایوو در دو روایوی اول و همچنین موقعیت دوره وصلان و یارانش به خون‌آلودگی نیکایی که به عنوان سرباز گرجی قاتل ابراهیم، خود را جای ابراهیم جا می‌زند که حال، قدرت تکلم خود را از دست داده است و اصنان و یارانش که نیکا را سربازی گرجی می‌پندارند، او را مورد تکریم نیز قرار می‌دهند و حتی بحثی درباره چگونگی از دست رفتن قدرت تکلم او نیز درمی‌گیرند.) تا جایی که برخورداری از لحن تلفیقی را می‌توان از نقاط ثوبت «نارنگی‌ها» دانست. اما آیا ایوو به عنوان خالق موقعیت مرکزی مذکور، دیوانه است؟ یا اقتدر ناگاه به جنگی که محیط پیرامونی او را فضا گرفته که دو دشمن را در حادترین شرایط جنگی، زیر یک سقف و در کنار یکدیگر گردآورده است؟ تردیدی در این نیست که ایوو، مجوری‌ترین و اصلی‌ترین شخصیت «نارنگی‌ها» است و البته به درستی ضدجنگ‌ترین آن نیز، چرا که مقرر است محرکی اصیل برای تحول احمد و نیکا و صلح میان این دو باشد و در همین راستاست که نشانه‌ها و کنش‌های مورد نیاز شخصیتی صلح‌طلب و ضدجنگ را می‌توان از همان ابتدای فیلم در ایوو یافت. ایوو از معدود روستاییان آبخازیا است که به رغم جنگ، همچنان در خانه مانده و ترک محل اقامت نکرده؛ زندگی را برگزیده، به جنگ و نتایج محوتش همچون آوارگی بی‌اعتنا بوده و به زندگی در خانه خود و به یاد پسر خود باور دارد. نخستین نمای فیلم، اکستریم کلوزآپی است از چوب‌تراشی او و نشستن خرده‌های ریز چوب در دستان پیر او و همچنین لباس او ایوو جعبه‌هایی می‌سازد که قابلیت حمل و نگهداری بمب و نارنجک دارند اما او از آن جعبه‌ها فقط برای حمل و

فرهنگ و هنر



نگاهی به کتاب «تکاوران نیروی دریایی در خرمشهر» به کوشش سیدقاسم یاحسینی

تکاورانی که تگ بودند

این کتاب‌ها است؛ هر چه می‌توانید کاری کنید که در دسترس جوان‌ها قرار بگیرد [آنا] جنگ را بشناسند.» حضور ارتش در عملیات‌ها کم‌رنگ و بی رمق بوده که ناخدا یکم هوشنگ صدی، فرمانده گردان تکاوران خرمشهر به کوشش سیدقاسم یاحسینی که انتشارات سوره مهر آن را به چاپ رسانده یکی از نمونه‌هایی است که تاریخ دفاع مقدس را به خوبی بیان می‌کند و مخاطب را در حال و هوای آن روزگار قرار می‌دهد البته تاریخ از زاویه یک فرمانده ارتش آن هم در گردان تکاوران نیروی دریایی، ناخدایکم صدی، فرمانده گردان تکاوران نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی است که پیش از انقلاب دوره‌های تکلوری و سایر دوره‌های آموزشی را گذرانده و با آغاز انقلاب بنا به حسب وظیفه در ارتش باقی می‌ماند و در روزهای تجاوز نیروهای دشمن یعنی به خرمشهر اعزام می‌شود تا در برابر دشمن از شهر دفاع کنند.وی به همراه گردان تکاوران، سپاه و نیروهای مردمی مردانه و شاید گاهی با دست خالی در برابر دشمن ایستادند و حماسه خلق کردند و نام خود را در دفتر مقاومت خرمشهر به ثبت رساندند. آنها در شرایطی وارد شهر می‌شوند که وی روز ۲۱ شهریور آماده تسویه‌حساب و بازنشستگی است ولی وقتی خبر آغاز حمله عراق را می‌شود از بازنشستگی انصراف داده و بانیروهای خود به خرمشهر اعزام می‌شود و شایسته نمی‌داند در شرایطی که کشور به وجود وی

به عنوان سرباز نیاز دارد میدان را خالی کند. تصاویری که در این کتاب از زبان صدی و با قلم یاحسینی به رشته تحریر در آمده و خواننده با مطالعه آنها در برابر دیدگان مجسم می‌کند، تصویری دیده نشده از مقاومت خرمشهر است و این همان نکته‌ای است که رهبری نیز به آن اشاره داشته و بر انتشار آنها تأکید دارند. روانی و سادگی بیان صدی در این کتاب حفظ شده و یاحسینی کوشیده این سبک بیان را به مخاطب منتقل کند و خواننده احساس می‌کند پای صحبت‌های این ناخدای بازنشسته ارتش نشسته و در حال گوش دادن به خاطرات وی است. هرچند به نظر می‌آید در برخی نقاط خاطرات خط سیری منطقی ندارند و با افتادگی در آنها روبرو می‌شویم که البته این را می‌توان پای گذر زمان و فراموشی آنها از ذهن صدی نوشت. روایت‌های صدی از خرمشهر و مقاومت تکاوران در کنار نیروهای مردمی مقاومت و تلاشی که از جان و دل می‌کنند تا شهر را از سقوط نجات دهند هر کدام می‌تواند بخشی در گروی خواننده بنشانند و او را متاثر از ایثار و رشادت مردان این سرزمین کند. خاطرات وی پازلی از مجموعه مقاومت خرمشهر است که تاکنون مسکوت بوده و این مسأله اکنون بیان شده که می‌تواند حاوی درس‌ها و پیام‌های مهمی باشد. «تکاوران نیروی دریایی در خرمشهر» اولین کتابی است که از ابتدای پیروزی انقلاب به حضور نیروی دریایی ارتش

نگاهی به فیلم «نارنگی‌ها» محصول کشور استونی

قلب‌هایی که مرزی نمی‌شناسند



نگهداری نارنگی استفاده می‌کند. مسلسل احمد را تا زمانی که احمد در خانه است، به او تحویل نمی‌دهد؛ حتی پیش از ورود نیکا. بر دفن هر چه سریع‌تر کشته‌شدگان دو طرف و همچنین امحای ون جنگی گرجی‌ها جهت خاموش شدن شعله‌های جنگ و کینه و پاکسازی بقایای جنگ تأکید دارد؛ در عین اینکه کارت شناسایی کشته‌شدگان را نزد خود نگه می‌دارد تا در صورت مراجعت خانواده‌هاشان به این امر تأیید دهد و کشته‌شدگان مفقود نگردند. با وجود اینکه پسرش توسط نیروهای گرجی کشته شده، اصرار دارد یک سرباز جوان گرجی را کنار پسرش دفن کند کمااینکه با نیکا که سربازی گرجی است، رابطه‌ای صمیمانه‌تر از احمد برقرار می‌کند و پس از کشته شدن نیکا نیز او را کنار پسرش دفن می‌کند. تقریبا در تمام تنش‌های در شرف وقوع میان احمد و نیکا، مستقیم و غیرمستقیم، به انواع مختلف (گاه از طریق تذکر و اخطار و گاه از طریق شوخی و تغییر لحن و گاه از طریق کنایه و طعنه) خود را حائل می‌کند تا برقرارگر آرامش باشد. ویژگی‌های به‌دست آمده از این کنش‌ها اگرچه به صورت منفرد، ساده و در ظاهر کم‌اهمیت به نظر می‌رسند اما از تجمع‌شان، همان شخصیت ضدجنگی حاصل می‌شود که قادر است میان دو دشمن زیر یک سقف دیالوگ برقرار کند، همه مرزهای سیاسی و عقیدتی و اجتماعی و جغرافیایی میانشان را درنوردد و همزیستی مسالمت‌آمیز میان دو انسان را خارج از مرزبندی‌های پادشده حاکم کند و در نتیجه به‌عنوان نماینده فیلمساز، مبین نگاه انسانی او باشد؛ البته در سیری کلاما، رالیستی و دور از اغراق و تقلب. به یاد بیارید سکانسی را که دکتر جوهان و مارکوس طرفین، بیشتر کری‌خوانی‌های کوه‌کانه جلوه می‌کند. ورود چند دقیقه‌ای اصنان و یارانش به خانه ایوو اما خصومت را از این مقدار نیز کمتر می‌کند چرا که به انگیزه عدم ایجاد دردسر برای ایوو، طرفین، مرزهای



میان یکدیگر را علنا نادیده می‌گیرند؛ اصنان و یارانش بی‌آنکه بدانند نیکا گرجی است، او را مورد تکریم و احترام قرار می‌دهند و احمد نیز نیکا را هم‌رمز خود و «ابراهیم» نام معرفی می‌کند. پس از ترک کانه ایوو توسط اصنان و یارانش، امکان عملی شدن تهدید احمد در روایوی اول فراهم می‌شود که باز هم توسط ایوو و البته این‌بار توسط خود احمد نیز به سرخه گرفته می‌شود تا جایی که در روایوی بعدی، به‌رغم خصومت ظاهری و بازیابی توان جمعی دو طرف، نه

درگیری رخ می‌دهد و نه حتی دوئل کلامی جدی چرا که دیگر هیچ مرز جانبی در کار نیست، بلکه روایوی احمد و نیکا، از این پس، صرفا روایوی انسان‌هایی است که می‌توانند هم‌زبانی با یکدیگر را به یاد آورند، دین یکدیگر را جویا شوند، برای یاران کشته‌شده یکدیگر اظهار تأسف کنند و در نهایت حتی دوش به دوش یکدیگر علیه دشمنی بجنگند که صرفنظر از اینکه گرجی یا چچنی باشد، رابطه انسانی میان این دو را مورد تهدید قرار داده است. اینگونه است که چهره احمد پس از تماشای چهره خونین به خاک افتاده نیکا، یک‌باره می‌هزنده است چرا که نظاره‌گر مرگ نه دشمن گله‌ای ممنوع خود است که در سکانس پایانی، آهنگ نور کاست به جا مانده از او را می‌شنود و در لانگشات پایانی، مسیر جیب خود را به سمت و سویی متفاوت از آنچه تاکنون پیموده تغییر می‌دهد این همان تحولی است که «نارنگی‌ها» به دور از هر گونه اغراق و تقلب، با اتخاذ طریقتی واقع‌گرایانه و با تکیه بر یکدهی انسانی، در بخش چند روز همنشینی ساده اما مصالحه‌آمیز میان دو دشمنی رقم می‌زند که در انتها درمی‌یابیم تنهایی، اصلی‌ترین محرک‌شان به سوی جنگ بوده و میان آنان، فارغ از برخی مرزبندی‌های مرسوم، هیچ نقطه تمایز بنیادی و بنیابی یافت نمی‌شود. «نارنگی‌ها» فیلمی است در رنای زدودن مرزهای پوشالی یا تا حد زیادی غیرضروری. فیلم البته می‌توانست با تعبیری همچون «تقابل نارنگی و نارنجک» یا «پیروزی نارنگی بر نارنجک» نیز توصیف شود؛ اگر نارنگی، به نماد محسوس‌تر و ملموس‌تر و عینیت یافته‌تری از صلح و زندگی بدل می‌گشت؛ استعاره‌هایی همچون پر شدن جعبه‌های یارو با نارنگی به جای نارنجک، گذران زندگی ایوو و مارکوس در روزهای سخت جنگ از طریق کار در باغ نارنگی، ظاهر شدن نارنگی در پس‌زمینه مین‌ساز دو نفرهای که در آن مارکوس با ایوو درباره زندگی آینده و بازگشت به استونی صحبت می‌کنند (و درست در همان لحظه، نارنگی در پس‌زمینه تصویر ظاهر می‌شود) و همچنین بمباران خانه و باغ نارنگی مارکوس توسط جنگنده‌های گرجی، البته که لازم اما ناکافی‌اند ضمن اینکه می‌رسند با این همه اما «نارنگی‌ها» به‌عنوان اثری که در زمانی کمتر از ۹۰ دقیقه، از طریق پلاتی نحیف و کم‌موقعیت، با بهره‌گیری از روایتی موجز و بی‌تکلف اما صریح و بی‌لکت از چند روز متوالی زندگی پیرمردی همچون ایوو و دو همنشین موقتش همچون احمد و نیکا، به درون هر سه نفر ورود می‌کند و از یکی پرسسوزنای کامل و از دو دیگری پرسوزنادهای مکملی انعطاف‌پذیر خلق می‌کند و با تزریق نگاهی انسانی و در سیری طبیعی و تدریجی و دور از کنش‌های دراماتیک گل‌درشت، آنان را به تحول می‌رساند، قطعاً شایسته تحسین است؛ نیست؟!



«بدون مرز»

فیلم ضد آمریکایی است

تهیه‌کننده فیلم «بدون مرز» می‌گوید این فیلم سینمایی تحلیلی از جریان جنگ‌طلبی آمریکا در دنیا است ولی این موضوع را کلیشه‌ای مطرح کرده است. حمید بهمنی تهیه‌کننده فیلم سینمایی «بدون مرز» به کارگردانی امیرحسین عسکری که در لیست بخش فیلم‌اولی‌های سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر حضور دارد به مهر گفت: امیرحسین عسکری از فیلمسازان جوان سینما و از همکاران و هم‌راهان قدیمی موسسه آوینی است. وی افزود: این کارگردان جوان پیش از فیلم «بدون مرز» فیلم‌های کوتاه خوبی ساخته بود و من نوع نگاه او به مقوله جنگ را بسیار دوست داشتم. زمانی که فیلمنامه «بدون مرز» را ارائه کرد، مطمئن بودم کار خوبی از آب در خواهد آمد و خوشبختانه اعتمادی که به عسکری کردم در نهایت جواب داد و خوشحالم این فیلم سینمایی در این دوره از جشنواره فیلم فجر حضور دارد. بهمنی با اشاره به این مطلب که باید به جوانان فیلمساز اعتماد کرد، گفت: به اعتقاد من یکی از راهکارهای نجات سینمای ایران از تولید آثار خنثی و بی‌کیفیت، اعتماد به نگاه فیلمسازان جوان است.



فیلمسازان نامدار سینمای ایران در چند سال اخیر آثاری تولید کرده‌اند که از جمله فیلم‌های ضعیف سینمای ایران به شمار می‌رود و مورد نقد منتقدان نیز بوده‌اند. این تهیه‌کننده ادامه داد: نمونه دیگری از اعتماد به جوانان فیلمساز تجربه فیلم «شیار ۴۳» به کارگردانی ترگس آبیار است. این فیلم به دور از نگاه کلیشه‌ای به دفاع مقدس و با تکیه بر اندیشه‌های ناب ساخته شده و درست به همین دلیل است که با استقبال بسیاری از سوی مخاطب مواجه شد. کارگردان فیلم «گلوگاه» در پایان با اشاره به این مطلب که فیلم «بدون مرز» یک اثر ضد آمریکایی است، گفت: این فیلم سینمایی تحلیلی از جریان جنگ‌طلبی آمریکا است ولی این مفهوم گل‌درشت مطرح نشده است و امیدوارم این اثر سینمایی در جشنواره فیلم فجر به درستی دیده شود.

شتر مرغ‌ها وارد «گینس» شدند

مرتضی غفوری، فیلمبردار سینما از ادامه فیلمبرداری «گینس» به کارگردانی محسن تائبند در مزرعه شترمرغ‌ها خبرداد. مرتضی غفوری در گفت‌وگو با مهر با اشاره به اینکه فیلمبرداری فیلم «گینس» با بازی محسن تائبنده و رضا عطاران همچنان ادامه دارد، گفت: ۱۵ روز از فیلمبرداری «گینس» گذشته و در حال حاضر در لوکیشنی اطراف ورامین و در بین شترمرغ‌ها کار می‌کنیم. وی ادامه داد: رضا عطاران و محسن تائبند، بازیگران اصلی این فیلم سینمایی در این لوکیشن جلوی دوربین رفتند. غفوری با اشاره به کار کردن بسیار سخت‌تر است و می‌توان گفت شترمرغ جزو حیواناتی است که نمی‌توان بی‌آن کار کرد. این در حالی است که داستان فیلم با یک شترمرغ شروع می‌شود.

اعلام فیلم‌های مستند جشنواره فیلم فجر



پیرو جلسه جمع‌بندی نهایی هیات انتخاب بخش سینما حقیقت (مسابقه آثار مستند سینمایی) سی‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، اسامی فیلم‌های این بخش اعلام شد. اسامی فیلم‌های مسابقه مستند سی‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر به شرح زیر است:

- ۱- اتان (معین کریم‌الدینی)
- ۲- آزاد راه (حسن خانجهرانی)
- ۳- بختک (محمد کارت)
- ۴- پناهگاه (عباس سنندی)
- ۵- جای خالی (کمیل سوهانی)
- ۶- زندگی پنهان (دلاور دوستانتیان)
- ۷- سفر به آمانای (فرشاد افشین‌بوز)
- ۸- سمفونی استیضاح (محمدعلی شعبانی)
- ۹- فیه ما فیه (صادق داوری‌فر)
- ۱۰- کرپان جغرافیای یک تاریخ (داریوش یاری)
- ۱۱- من می‌خوام شاه بشم (مهدی گنجی) گفتنی است، جعفر صانعی مقدم، عزیزالله حاجی‌مشهدی، پیروز کلاترزی، حامد شکیبانیا و محمدحسین مهدویان هیات انتخاب آثار بخش مستند را بر عهده‌داشتند.